

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

لیست ترتیبی خطبه‌های محرم سال ۱۳۹۸

(محرم ۱۴۴۱ هـ.ق - در انتظار دولت عشق)

- ۰۱- خطبه‌ی شب افتتاحیه - ۹ شهریور ۹۸
- ۰۲- خطبه‌ی شب اول - ۱۰ شهریور ۹۸
- ۰۳- خطبه‌ی شب دوم - ۱۱ شهریور ۹۸
- ۰۴- خطبه‌ی شب سوم - ۱۲ شهریور ۹۸
- ۰۵- خطبه‌ی شب چهارم - ۱۳ شهریور ۹۸
- ۰۶- خطبه‌ی شب پنجم - ۱۴ شهریور ۹۸
- ۰۷- خطبه‌ی شب ششم - ۱۵ شهریور ۹۸
- ۰۸- خطبه‌ی شب هفتم - ۱۶ شهریور ۹۸
- ۰۹- خطبه‌ی شب هشتم - ۱۷ شهریور ۹۸
- ۱۰- خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا) - ۱۸ شهریور ۹۸
- ۱۱- خطبه‌ی روز عاشورا - ۱۹ شهریور ۹۸
- ۱۲- خطبه‌ی شب دهم (شب اول شهادت امام حسین (ع)) - ۱۹ شهریور ۹۸
- ۱۳- خطبه‌ی شب یازدهم - ۲۰ شهریور ۹۸
- ۱۴- خطبه‌ی شب دوازدهم - ۲۱ شهریور ۹۸
- ۱۵- خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س) - ۱۲ مهر ۹۸
- ۱۶- خطبه‌ی اربعین - ۲۷ مهر ۹۸

اللهم عجل لوليک الفرج

www.rayatolhoda.com

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ هـ.ق - در انتظار دولت عشق)

### «در انتظار دولت عشق»

راه و روش امامت افسوس بر گذشته نیست، بلکه آوردن گذشته به حال است، تا از راه و هدف امامت همگان آگاه شوند. پس در بیان راه شهیدان کربلا هدف ارث عظیمی بود که همگان را به دایره‌ی حق‌مداران دعوت می‌نمود با عزم و اراده‌ی شهیدان در اطاعت.

امام علی ابن موسی الرضا (ع)

اللهم عجل لوليک الفرج

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

خطبه‌ی شب افتتاحیه

۹ شهریور ۹۸

شکر و سپاس و پروردگار رحمان و رحیم و حکیم را سزااست که زمان را آفرید و به حکمت و تدبیرش در آن حق و باطل را برجسته نمود تا آنانی که به دنبال نجات و رستگاری خود هستند راه را پیدا کرده و با تمسک به آن به مقصد برسند.

پس سلام بر زمان آنگاه که جانش در فرمانی در هم می‌پیچد. ساعت‌هایش به پایان می‌رسد. لحظاتی به سخن در می‌آید. اینک آنچه را اندوخته بودم به سخن درآمده تا پرده از رازها بردارد. ای شیفتگان حق بازار دنیا تمام شد. متاع خویش آماده کنید. جانتان در حلقه‌ی «تبارک‌الله احسن الخالقین» آماده‌ی سفری مطهر است. سفر آغاز می‌شود. ضربان حیات حکایت‌های خویش را در صحیفه‌های نور می‌نگارد. عمل‌ها در ندایی صاحب خویش را می‌خواند. اینک فاصله‌ها به رحمتی از خالق یکتا به هم نزدیک شده و ظاهر و باطنش به هم پیوسته است. باطنی که هزاران نعمت وعده داده شده را در نهان جانش به ودیعه دارد. پیش بیا، آنچه را پنهان می‌داشتی اینک آشکار شده تا همگان به اندوخته‌ات بنگرند و تو را به وعده‌ای بشارت دهند که پروردگار فرمود: شادان و خندان به نزد کسان خویش بازگرد تا همگان در آنچه پروردگارت به تو هدیه فرموده نظر کنند و پیامبران به آن نظر کنند آنگاه عمل‌ها در معجزات آنان بدرخشد و وعده‌ی حق محقق شود.

بله چه توصیف زیبایی از زبان زمان، به فرموده‌ی سرور عالمیان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) را شنیدیم که زمان از ذخایر خود سخن گفت که یکی از گنجینه‌های گران‌قدر و بی‌نظیری که زمان در خود حفظ کرده ساعت‌ها و دقائق و شب و روز محرم سال ۶۱ هجری است که اباعبدالله (ع) و اهل‌بیت و یارانش حماسه‌ای آغشته به عشق و ایمان، حق و باطل، رشادت و عجز، آزادگی و اسارت نفس، عزت و ذلت را در آن ذخیره و به نمایش تاریخ گذاردند.

اینک که می‌رویم ماه محرم را در این کوی عشق، در خانه‌ی مقدس مولا و سرورمان، امام عصر و زمان اباصالح المهدی (عج) آغاز کنیم باید که شکرگزار خداوند کریم و سپاسگزار مولایمان باشیم چون مجالس هر شب ما مزین است به خطابه‌های گران‌قدر و بی‌نظیر که شاهکاری در معرفت و حکمت و هدایت به سوی حق و دور نمودن از باطل‌هاست.

ولی باید به یقین بدانیم که هیچ کس در ظرف آلوده نوشیدنی و خوراکی نمی‌ریزد چون آلوده شده و نمی‌توان آن را خورد و نوشید پس ظرف وجودمان را از آلودگی‌های این زمانه پاک کنیم تا این خطابه‌ها در جان و روحمان داخل شده و درک نموده و کسب معرفت کنیم و عملمان را به آن مزین کنیم.

در این مورد به دامان پر مهر مولا و سرورمان، امام عصر و زمان، اباصالح المهدی (عج) پناه می‌بریم که لطف و عنایت خاصه‌شان همچون بارانی به‌وقت بر ما می‌بارد که فرمودند: وای بر احوال شنونده‌ای که نعمت هدایتش را فراموش کرده و باز مزد رسولش را از یاد برده است. مودت به قرآنش را به بازی گرفته و صبح و شبش در مقاصدی تکراری به پایان می‌رسد. پس قیمت جانش را فراموش می‌کند و خود را در درک القابش ناتوان می‌بیند. آیا پروردگار عالم در خلقتش تفاوتی نهاده است؟ خیر، اعلام فرموده همگان خلیفگان روی زمین‌اند. کدام زمین؟ زمینی که آتش نفسش آبادانی را از میان برده است و برهوت را به ارمغان آورده یا زمینی که باغ‌های بهشت را به تصویر کشیده است. باید همانند قوم موسی به احوالتان نظر کنید که اربابتان از کوه طور بازگشت تا نتیجه‌ی امانتش را در نزدتان ببیند. آیا امانت‌داری صادق هستید و یا در مستی عاشوراییان لحظاتی را سرمست شده و باز خود می‌مانید و آنچه نامش جان است. اگر تورات وجودتان را با انوار سرور شهیدان نوشته باشید پس چه فاصله‌ای بین شما و پروردگارتان است. فاصله بی‌معناست. چشم ظاهر دنیا بین است و چشم باطن در آستی با شکوه پس بازیچه‌های دنیا را رها کنید و یقین داشته باشید اگر شیعه‌ی علی هستید آنچه از سفره‌ی ملکوت برایتان می‌آورند گنجینه‌ای است تمام‌نشده‌ی پس قلمش را قدر بدانید و بر آنچه فرمانتان داده سر اطاعت فرود آرید تا

حماسه‌ی عاشورا را در جانتان به نمایش درآورند و طعم شیرین آن را به جانتان بچشانند پس با ساعاتش بیعت کنید و آن را غنیمتی بزرگ تا همواره دنیا و برزختان در نعمتش متنعم شود.

اینک پای طور بایستید و به قامتش نظر کنید و فرج عقلتان را از عقل کل تقاضا کنید پس فریاد بزنید:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

www.rayatolhoda.com

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### «در انتظار دولت عشق»

راه و روش امامت افسوس بر گذشته نیست، بلکه آوردن گذشته به حال است، تا از راه و هدف امامت همگان آگاه شوند. پس در بیان راه شهیدان کربلا هدف ارث عظیمی بود که همگان را به دایره‌ی حق‌مداران دعوت می‌نمود با عزم و اراده‌ی شهیدان در اطاعت.

امام علی ابن موسی الرضا (ع)

### اللهم عجل لولیک الفرج

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ هـ.ق - در انتظار دولت عشق)

۱۰ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب اول

سلام بر آغازی که طلوع و غروبش هزاران راز نهفته را در لحظه لحظه‌ی زمان در سینه‌ی خویش ثبت نموده تا دوران‌ها سپری شود. آیندگان به صحنه بیایند و گذشتگان مانند غباری بر جان زمان بنشینند. غباری که همواره راه نفس زمان را در حق و باطل مسدود نموده تا عقل‌ها به میدان عمل بیایند. آنان میراث‌بران جان‌هایی هستند که ارث خویش را بین همگان تقسیم نموده‌اند. اکنون به زمان حال سفر می‌کنیم تا میراث‌بران را در امانت آنچه به میراث برده‌اند بشناسیم.

دسته‌ی اول ثروتشان را در تجارت دنیا قرار داده‌اند و آنچه عایدشان شده حرارتی آتشی است که در جانشان شعله‌ور است. گاه آن‌چنان از این تجارت مسرور می‌شوند

که فراموش می‌کنند آنچه کسب کرده‌اند زنجیری به درازای هفتاد ذرع است یعنی همان‌گونه که با محاسبات دنیا به میراثشان نگریسته‌اند هفتاد نیز با همان محاسبه می‌شود.

دسته‌ی دوم تماشاچیان صحنه‌ی دسته‌ی اول‌اند. برای اجرای نمایش به گردانندگان یاری می‌کنند و آنچه عایدشان می‌شود جانی مجروح از جهل است.

دسته‌ی سوم میراث خویش را در صندوقچه‌ی جانشان محبوس می‌کنند زیرا توان اندیشیدن به حق را ندارند پس همواره در سکوت به سر می‌برند و خود را بین گذشته و آینده در میزان محاسبه قرار می‌دهند.

پس میراث‌دار حقیقی کجاست؟ چه کسی توانسته تا ثروتش را طبق فرموده‌ی قرآن کریم در بهترین مرتبه به کار اندازد. او از ثروتش چگونه محافظت می‌کند. آیا در معرض دید همگان قرار می‌دهد تا از تحسین آنچه اندوخته جانش غرق شوق و ذوق شود و یا تشنگان این ثروت عظیم را به دریای رحمت الهی می‌رساند تا جانشان در حسرت جرعه‌ای به جوشش بیاید. جرعه را بنوشند. تشنگی‌اش ادامه یابد. هر بار پیاله‌ی جانش را به دریای احسان الهی نزدیک کند و باز منتظر جرعه‌ی دیگری شود.

پس زمان امانت‌دار خویش را می‌شناسد. امانت‌داری که آن‌چنان جانش در حق می‌تپد که تکراری برایش وجود ندارد. در سینه‌اش میراث دینی نهفته که خود به آن شهادت داده پس به کنار حق‌مداران می‌رود. به نجوایشان جانش در نعمت غیب الهی قرار می‌گیرد. وعده‌ی زیبای پروردگار در جانش به بار می‌نشیند. وارد سفینه‌النجات می‌شود. سفینه حرکت می‌کند تا به زمان ملحق شود و او بار دیگر به میان جان‌هایی می‌رود که زمان ودیعه‌دار ثروتشان است.

امروز اول محرم است. محرم به چه معنا؟ اینک بیندیش در کدام دسته هستی؟ اگر توانستی جانت را محک بزنی توان کشیدن بار گران زمان را خواهی داشت و اگر نتوانستی همانند چراغی هستی که جز به سوخت درونش به هیچ نعمت دیگری عشق نمی‌ورزد زیرا برای روشن شدن محتاج همان سوخت است. لحظه‌ای که سوخت



به اتمام رسید خاموش می‌شود. پس در این امتحان عظیم امانت‌دار زمان را بخوان تا  
توان درک آنچه شنیده‌ای را بیابی:

**اللهم عجل لوليک الفرج**

www.rayatolhoda.com

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

۱۱ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب دوم

سلام بر آغاز روزی که ساعاتش منتظر طلوعی منور است. کدام خورشید بر زمان می‌تابد تا روشنایی‌اش سیاهی شب را به روزی پر جنب و جوش تبدیل نماید. خاک به قامتش بنگرد. با سوز دلی بخواندش. ای نجات‌بخش جانم از برهوتی خشک. قدم‌های خویش را بر بستر خاموشم بگذار تا گلستانی شوم بی‌همتا. می‌خواهم حکایت دلدادگی‌ات را برای آیندگان در قلب پر سوز و گدازم به امانت نگه دارم. تو را چه بخوانم ای خلیفه‌ام. پروردگرم امر فرمود که در مقابلت به اطاعت درآیم و من عاشقانه به دامت آویخته‌ام. کیست که توان تفسیر عشق را داشته باشد. عاشق کیست که توان گفتن آنچه را در سینه دارد را بیابد.

زمان ودیعه دار این نجوهای شیرین است. نامش در شب و روز انتظار می‌گذرد. ای منتظران چگونه شعله‌ی عشقی در جانتان می‌درخشد. چه اسراری در این ساعات نهفته که مولایش را می‌خواند. آیا عقلی توانسته تا در اندیشه‌اش تصویری از حق را معنا کند. جاء الحق به چه معناست. کدام جایگاه می‌تواند بزرگی حق را در خود جای دهد.

امروز دوم محرم است. می‌خواهد منتظران واقعی را در انتظارشان بشناسد. مدعیان مسلمانی که در دل زمان در حال عبور از حق و باطل هستند آمده‌اند تا حق را بشناسند. جانشان در حل معمای من کی هستم در سوز و گداز است. چرا توان درک آتش سینه‌ام را ندارم. پروردگرم من از محرم چه می‌خواهم. چراهای جانم را با کدام زبان بپرسم. با زبان اندیشه‌ام یا با زبان قلبم و یا ساعاتی برای حق و باطل ندبه و شیون سر دهم و باز در سکوت جانم در گذر زمان بمانم.

یا غیاث المستغیثین به من بنگر. من برای حق به سینه می‌زنم ولی عمرم را درک نمی‌کنم؛ مانند کودکان در بازی افکارم از حق جامانده‌ام. کدام ندا مرا از این سرابی که

به آن مبتلا هستم نجات می‌دهد. من از محرم کلید اطاعت را می‌جویم. می‌خواهم قفل وجودم را با کلیدش بگشایم. قفلی که شیطان نفس آن‌چنان به آن دل‌بسته که همه‌ی ساعات عمرم در محور باطل در حال عبور است. چاره‌ی این همه غفلت چیست. ساعات زمان در عقربه‌ی حق می‌چرخد و آنانی که باطل را برگزینند همانند کفی هستند که زمان از آنان نشانی را به یاد نمی‌آورد زیرا منتظر سینه‌ای است که با حق‌مداران در محرم همراه است و آنان در تمام ساعات و لحظه‌های عمرشان به دنبال حقی که وعده‌ی راستین پروردگارشان است. پس او را در ندای حق می‌خوانند:

**اللهم عجل لوليک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق - در انتظار دولت عشق)

۱۲ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب سوم

سلام بر حمد، حمدی که نامش را عبادت خواندند تا زبان‌ها معترف عظمت پروردگار کریم شود و جانش در حلقه‌ی عبودیت از باطل جدا گشته به سرمنزل آمن الهی سفر کند.

پس در آینه‌ی خلقت زبان جایگاه خویش را می‌شناسد زیرا ناطق جانی است که سکوتش هزاران معمای پیچیده را به نمایش می‌گذارد. اینک به اشتیاق بردن نامی جانش در غیبی منور به گردش درآمده، می‌خواهد با تمام آنچه در ذخیره‌ی جانش به امانت گذاشته‌اند او را بخواند. با حرارت زمان همراه می‌شود. چه کسی یاری‌اش می‌کند تا ملکوتیان را در قالب نام بخواند. هر بار که زبان به حرکت در می‌آید، زمان جانش را در حلقه‌ی محبت خویش می‌گیرد تا توان تکلم را از دست ندهد.

ساعات محرم در تقویم خویش ذخیره‌ی نام‌هایی را دارد که زبان‌ها سال‌هاست به بردن آن نام‌ها به حرکت درآمده مانند کودکی که مادر او را به تکرار کلمات تشویق می‌کند. نام ملکوتیان را به زبان آورده از آنان چه چیزی را طلب می‌کند. رمز حرکتشان را. اطاعتشان را و یا عشق به امامتشان را. کدام نقش در جانش می‌تواند تا زبان را به حرکت درآورد. او از امامت چه می‌خواهد.

امروز تقویم محرم به جلو می‌رود تا هر ثانیه‌اش پرده از این راز بردارد. رازی که زمان در انتظار فرجی مبارک به همین ثانیه‌ها وعده داده شده و همگان را به میدان حق می‌خواند. پس لشکریان منتظر، بار و توشه‌ی خویش را بر پشت زمان نهاده‌اند تا به دولتی برسند که در آن محرم صورت دیگری دارد. بارها از زبان حق معمای این حرکت عظیم را شنیده‌اند. به کدام صحنه دل‌بسته‌اند. به اطاعت یا رشادت. رشادت در مقابل باطل به میدان جنگ ختم نمی‌شود. جان خلیفه همواره در بالاترین درجه‌ی رشادت قرار دارد.

پس تو خودت را در کدام آئینه می بینی. جانی که از ترس همواره در پیچ و تاب است چگونه درک شجاعت را دارد. او به مانند پیرزنی است که صبح با عشق شروع به بافتن می کرد و شب به منزل اول باز می گشت پس رشته های بافته شده در حق نمی تواند مثال آیات الهی باشد. آنچه پاره پاره می شود عهد و پیمانی است که مانند خانه ی عنکبوت سست و بی بنیان است.

وای بر جانی که با حقیقت جان خلیفه افسانه می بافت تا جان مجروح از ترس و نفاق را با حقیقت حق بیامیزد و آنچه عایدش می شود تکرار مکرراتی است که هر ساله مدتی را با آن سرگرم شده و باز کلاف بسته شده را می شکافت تا آثاری از حق در وجودش یافت نشود. مسلمانی اش در شعارها خلاصه شود و محرم ها از پی یکدیگر بیاید و برود. گوش ها حقیقت راه محرم را بشنوند و باز به همان صفت مزین باشند که خود بر قامت خویش پوشانده اند.

حق مداران مدال محرم را بر سینه ای می زنند که سنگینی آن را در رشادت و اطاعت جست و جو می کنند. پس با منتظران صحرای کربلا هم نوا شده و مولای خویش را می خوانند:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

۱۳ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب چهارم

سلام بر یوم‌الدین، روزی که همگان بر جان خویش بیمناک‌اند. اسراری که در جان‌ها نهفته است. کدام جان؟ جسم از مثنی پوست و استخوان تشکیل شده که فرماندهی مغز آن را هدایت می‌کند. همگان با این مرکز پیچیده در حال حرکت هستند. تمام آنچه می‌آموزند به واسطه‌ی این ساختمان فرماندهی است. وجه دیگرش که به این مرکز مربوط می‌شود تفکر است. فکر در درونش شکل می‌گیرد و با فرمان مغز به جریان می‌افتد تا عمل‌ها را در احاطه‌ی این خلقت عجیب قرار دهد.

پروردگار کریم برای هدایت این مجموعه روح را می‌آفریند تا حالات غیبی را تحت کنترل خویش درآورد. این حالات نامش احساس است. تمام غم‌ها، شادی‌ها، عشق‌ها به این مرکز مربوط می‌شود تا جان را در معمایش مدد نماید. قرآن کریم بزرگ‌ترین نعمت را در قالب روح معرفی می‌فرماید و عقاب‌ها و پاداش‌ها را به آن اختصاص می‌دهد. پس تشخیص هدایت و یا ضلالت با پذیرش دعوت انبیاء شکل می‌گیرد تا قدرت پذیرش روح در همگان آشکار شده و صاحب خویش را به طرف آنچه به آن علاقه‌مند است هدایت کند. احساس نیاز به خالق نیز به این مجموعه مربوط می‌شود. پس پیچیدگی خلقت در انسان‌ها متفاوت است. برای ایجاد اتحاد و کنترل این شگفتی اطاعت آموزش داده شده تا همگان راه سعادت و ضلالت را در جان‌شان بیابند.

اینک شیفتگان راه سعادت مد نظر هستند. آنان به طرف اطاعت در حرکت‌اند تا راز عشق را فاش کنند. در اولین مرحله فرمان داده شده‌اند تا خالق خویش را بستایند. ستایش را در قالب نماز و روزه و دیگر احکام که به جا می‌آورند.

فرمان بعدی اطاعت از اولوالأمر است. در هر زمان و مکان تفاوتی نمی‌کند. محرم آیین‌های اطاعت است. چه کسی جان خویش را در این آیین می‌بیند. آیا توانسته بنده‌ی مطیعی باشد. او در حزن و اندوه شهیدانی است که جز حق را نپذیرفتند. آنان

حق را بر سر باطل کوبیدند تا مصداق آیات قرآن کریم شوند و عاشقان کوی‌شان را به همان راه بخوانند.

محرم سال ۶۱ هجری نشان از ذخیره‌ای دارد که هم اکنون در جانتان در جریان است. حکایت شیرین حرکتی که سال‌هاست از زبان شهیدان در پرونده‌ی عمل‌ها ثبت است تا انتظار را در قالب ده روز به تصویر کشد. ده روزی که تا قیامت زمان آن را در آینه‌ی جان‌ش ذخیره نموده تا همگان به کوتاهی زمان عمرشان دقت کنند. زمان عمر طبق فرموده‌ی آیات الهی در قوم بنی‌اسرائیل با تمام معجزات ده روز بود و در صحرای کربلا هم ده روز. چه تفاوتی بین این دو تا ده روز است و شما که در قالب ده روز جانتان را محک می‌زنید آیا بعد از اتمام این ثروت عظیم هدایت با انتظار فرج همراه می‌شوید تا در همان ده روز سعادت و یا شقاوت را به نمایش درآورید یا از صحنه خارج می‌شوید تا عمرتان در پرانتز نفسی بگذرد که خود به آن دل‌بسته‌اید.

لحظات زمان زبان‌گویایی دارد که همواره مولای خویش را می‌خواند به فرجی مبارک:

**اللهم عجل لولیک الفرّج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

۱۴ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب پنجم

سلام بر انتظاری مبارک. ساعاتی که در گذر زمان مانند حیاتی مجدد است برای مردگان دهر. همانانی که ثروت خویش را به بهایی اندک فروختند تا جانی را در گور زمان دفن کنند که مصداق آیات کریمه‌ی قران است. آنگاه که می‌فرماید با آنان که در خانه ماندند در خانه بمانید زیرا پروردگار جان‌هایشان را به مهر باطل مزین فرموده. مَهْری که جز خشم الهی هیچ رحمتی را به همراه ندارد.

امروز پنجم محرم است. روزهایش مانند گنجینه‌ای که تشنگانش را به سرمنزل اطعام الهی دعوت می‌نماید از راه می‌رسد. کیست که توان نوشیدن جام حق را داشته باشد. اگر مشتاق اطاعت هستید پس به فرمان قرآن کریم به همراه پیامبر مهاجرت کنید. او مأمور است تا مهاجران را در رحمت توبه قرار دهد. پس دست یاری‌اش را رها نکنید. صدای حق شما را می‌خواند. زمان زیادی به اتمام راه نمانده. چگونه راه را می‌پیمایید. باید مرکب سرعت را انتخاب کنید. تفکر در انتخاب حاصلی را به همراه ندارد. آینه‌ی زمان هم‌اکنون در مقابلتان است. آنانی که امر اطاعت را به هوای نفس ترجیح دادند اکنون در وعده‌های پروردگار متنعم هستند تا جانشان از سربیل جامی بنوشد که آغشته به نوری منور است. انواری که جان عاشق را به سخن در می‌آورد تا مقصدش را بشناسد. او به طرف برزخی در حرکت است که نشانی از آن را جز به وعده‌ی الهی درک نمی‌کند زیرا خود را مولای زمان فرض نموده و از گذشتنش در ثانیه‌ها هراسی ندارد. همواره روزها و شب‌هایش می‌گذرد تا او را به دنیایی پیوند بزند که دیگر اطاعت معنایی ندارد. زمان می‌ایستد و عقربه‌هایش انتظار را در قالب عذاب به ارمغان می‌آورد.

چاره‌ی این غفلت بیدار شدن از خواب نفس است تا به گوش جان ندای مولایش را بشنود که او را می‌خواند. اگر توان درک حقیقت قلبت را داری هم‌اکنون به عشقی در



پیچ و تاب است. جانش تشنه‌ی جامی است که نامش دولت ظهور است. این چه وعده‌ی شیرینی است که تمام ادیان الهی در هدایتشان او را خوانده‌اند تا ذخیره‌ی پروردگار آشکار گردد. باطل از صفحه‌ی روزگار محو شود و حق در رگ زمان آن‌چنان خونی را تزریق کند که گورها به صدا درآید.

وای بر ما چگونه بر این همه نعمت آگاه شویم درحالی‌که از سفره‌اش جا مانده‌ایم. حق مداران به حرکت درآیند. انوارشان سیاهی باطل را از بین ببرد. آنانی که در ظلمت مانده‌اند به ندایی حزن‌انگیز آنان را بخوانند لحظه‌ای درنگ کنید تا از نورتان بهره‌مند شویم و آنان پاسخ دهند شما این نور را باید در دنیا کسب می‌کردید پس دیواری بین حق و باطل ایجاد شود. اینک تا فرصت عمرتان باقی است جانتان را از این حسرت هولناک نجات دهید تا ذخیره‌ی جانتان آشکار شود و با منتظران دوران‌ها هم‌نوا شده و او را بخوانید:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

۱۵ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب ششم

سلام بر آئینه‌ی زمان و انوار درخشانش، انواری که جان‌ها را مهمان دوران‌ها می‌کند تا از سفره‌ی غیب متنعم شوند. گاه توان درکش را دارند و گاه چونان شمعی که در تاریکی فقط محور خویش را می‌افروزد لحظاتی در روشنایی‌اش جانشان از ظلمات زمان نجات می‌یابد.

کسانی که در عصر کنونی به محرم می‌نگرند جان‌هایی هستند که مصداق آنان را وجود مقدس و ملکوتی امیر مؤمنان (س) در خطبه‌های خویش بیان فرموده زیرا گاه در چهره‌ی یاران و وفاداران اهل‌بیت به میدان می‌آیند و آنچه در دست دارند تیغ بُرنده‌ی نفاق و دورویی است و گاه در قالب خدمتگزاران و برپاکنندگان رسم و آئین اهل‌بیت به میدان زمان می‌آیند.

چهره‌ی دسته‌ی دوم چند صباحی از درنده‌ای به چهره‌ی روباهی مکار تغییر جهت می‌دهد تا طعمه‌های خویش را برای آینده مهیا نماید. اینان همان اشباع رجال هستند که تاریخ در قلب خویش از آنان به‌عنوان شقی‌ترین افراد نام می‌برد.

دسته‌ی سوم محرم را برای رسیدن به منزل آخرت و شفاعت و برآورده شدن حاجاتشان دوست می‌دارند و همواره برای آمدنش روزشماری می‌کنند و بعد از تمام شدن ده روز منتظر گرفتن نتیجه هستند.

در بازار شلوغ دنیا این ده روز آشکار کننده‌ی درون‌ها و صفات‌ها و رفتارهاست. زمان به میدان محاسبه می‌آید تا چهره‌ها را در تقویم خویش بنگارد.

امروز محرم در دل خویش نجوای شیرینی از مولایش را به زمان تزریق می‌کند تا حق مداران از جامش جان عطشناکشان را سیراب کنند. زمزمه‌ای که شیرین‌ترین لحظات را به تصویر می‌کشد آنگاه که امام حسین (س) وجود با برکت خواهرش را به چادر

خویش دعوت می‌نماید دختر امیر مؤمنان آن‌چنان قدم بر می‌دارد که ستون خیمه تکان می‌خورد. امام با تبسمی می‌فرماید خیمه‌ی امامت از استحکام قدمتان به لرزه افتاده. حضرت زینب می‌فرماید می‌خواهم این سرزمین مرا در اطاعت از امامت در قلبش به تصویر کشد. خاکش بشکافد و مطمئن شود که اطاعت‌گران مصمم به فرمانی هستند که امامت صادر بفرماید. امام حسین (س) می‌فرمایند: فرزندان رسول خدا (ص) اطاعت از پروردگار را در جانشان از آلت به یادگار دارند پس زمان آنان را بندگانی می‌خواند که جز حق را نپرستیدند و جز راه حق نرفتند.

اینک محرم در دل آنانی که به راه امامت عشق می‌ورزند همان استحکام قدم است در حق. پس عزاداران خاندان نبوت نمی‌توانند چهره‌ای جز آنچه قرآن کریم معرفی می‌فرماید داشته باشد. آنان همان کسانی هستند که کتاب آسمانی می‌فرماید با مال و جان و فرزند به استقبال فرمان الهی می‌روند نه در شعارها بلکه در سلول‌های زنده‌ی جانشان زیرا امامت آگاه به درون‌هاست. مال و فرزند کسی که در کنار جنگجویان لشکر باطل است نفعی به حالش ندارد. آن مال و فرزند آتشی است که شعله‌اش فروکش نمی‌کند همواره در دنیا و آخرت همراه گوینده‌اش در حرکت است.

پس در ساعت‌های باقی مانده از پرده‌ی حق و باطل به جانتان نظر کنید تا در صف کسانی قرار بگیرید که امامت دست بیعتشان را در لحظه‌ی آخر رها نکرد. اگر توانستید با سرعت آنان از باطل بگریزید امامت دستتان را رها نمی‌کند. پس به میدان بیایید و جانتان را در حق محک بزنید. او همواره مددکار کسانی است که او را بخوانند به فرجی مبارک:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق - در انتظار دولت عشق)

۱۶ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب هفتم

سلام بر محرم. ماه مبارزه با شیاطینِ انس. شیاطینی که همگان قادر به دیدنشان هستند. گاه توان فکری و عقلی مردمان قادر به تشخیص اتفاقات اطراف خویش است و گاه در خوابی سنگین فرو رفته. خوابی که توان بیدار شدن را از او سلب نموده.

مبارزان حق مصداق آیات کریمه هستند. پروردگار آنان را روزی خورنده‌ی سفره‌ی احسان خویش معرفی فرموده. یاران عاشورایی جانشان را بر طبق احسان الهی نهادند. دلیر مردانی که حماسه آفریدند تا زمان خون پاکشان را بر جان‌ها هدیه نماید.

امام حسین (ع) چلچراغ فروزانی هستند که امامتشان به حماسه‌ی عاشورا ختم نمی‌شود. امام در تمام دوران‌ها، امام اطاعت‌گران از فرامین پروردگار در پیمودن راه حق‌اند. پس وجود مقدسشان نام نیست بلکه انوار حقی است که شعله‌اش در سینه‌ها زبانه می‌کشد. کدام چشم قادر است تا معجزه‌ی حضرت موسی را به مانند جادوگران فرعون در حق تماشا کند و آن‌چنان شیفته‌ی حق شود که بریدن اعضاء بدنش را سعادت به حساب آورد و روح جسم را از یکدیگر جدا ساخته اعلام دارد هرگز هیچ نیرویی قادر نیست تا به روح حق طلب آسیبی برساند. پس آیات الهی میدان جنگ حق و باطل است. شهیدانِ روز عاشورا پیش‌مرگ آیندگانی هستند که قادر به درک اطاعت نیستند. ایمان به فرمان امامت نیاز به تشخیص راه ندارد. راه از انوار امامت روشن است.

امروز در حالی آغاز می‌شود که جان‌ها در پرانتز عشق به امامشان در سوز و گداز است؛ زیرا روح به کمال القاء در حق عشق می‌ورزد. پس سینه‌ها مانند جادوگران فرعون به دنبال نام نیست بلکه به دنبال فرمانی است که جانش از تباهی به جایگاه حق بازگردد. همانانی که منتظر دولتی هستند که ظلمت جانشان را به انوار خداوندی روشن نماید. امامشان نام نیست بلکه حیات است. حیاتی که مرگ را نمی‌شناسد.

همراهانش به دنبال ثروتی هستند که ریشه‌اش در زمین است و شاخ و برگش در آسمان. پس محکم به ریشه‌ی امامت چنگ بزنید تا مانند شهیدان به نشان عمل مزین شوید.

پس در لحظات باقی مانده از گنجینه‌ی عمرتان او را بخوانید به فرجی که حق‌مداران خواندند:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

www.rayatolhoda.com

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق - در انتظار دولت عشق)

۱۷ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب هشتم

سلام بر حق. وعده‌ی راستین پروردگار در دعوت همگان به گرفتن پیمان قالو بلی. پیمانی محکم و استوار و اعترافی دل‌نشین از فرزندان حضرت آدم (س) در اعتراف به توحید و یگانگی پروردگار. جان‌هایی که به زبان آمد تا ستایش را بیاموزد.

اکنون زمان شاهد آمدن و رفتن همان معترفان به توحید است. می‌آیند جام جانشان را به شیطان نفس می‌فروشند و قرآن کریم اعلام می‌فرماید اینان پیمان‌شکنانی هستند که جانشان را در غضب الهی از فردوسی که در آن بودند به جهنم سوزانِ نفس اماره مبتلا کردند و آنچه عایدشان شد افسوسی بود که آتشش خاموش نمی‌شود.

امروز هشتم محرم است. زمان می‌رود تا جان‌های عاشق را در آغوش گیرد. آنانی که به دور حق حلقه زده‌اند و مانند گرسنه‌ای که محتاج طعام است به دستان مبارکش می‌نگرند. در دلشان غوغایی است. آیا حق دستان تهی‌شان را با تمام آلودگی‌های نفس در دست می‌گیرد و یا از بهشتی که در آن هستند مجدداً به سرزمینی سقوط می‌کنند که جز رنج عایدشان نمی‌شود. این چه ساعت‌هایی است که این چنین سعادت و شقاوت را به تصویر می‌کشد. چه شبی در انتظار عهد و پیمان با امامت است. زمان به جانشان نهیب می‌زند. کجا می‌گریزید. چگونه توان جدا شدن از جانشین پروردگار را دارید. به کجا می‌روید. وای بر شما. زمین شما را نخواهد پذیرفت. او با تنفر به شما می‌نگرد. چگونه از سفره‌ی حق جدا شدید و باز به همان ظلماتی برگشتید که از آن آمده بودید.

صدای حق در گوش آنانی که چند صباحی در انوارش افروخته بودند مانند آواز فرشتگان بود در دعوت پروردگار به اطاعت پس ماندند. به دورش حلقه زدند. ای عزیزترین تحفه‌ی آسمانی ما را نیز در نعمت حق متنعم کن تا زمان اطاعتمان را به گوش آیندگان برساند و آنان درحالی که اُمت بزرگ‌ترین گنجینه‌ی پروردگار هستند به

گوش جان زمزمه‌ی ما را بشنوند که ما اعلام کردیم: وای بر کسانی که مردگانی باشند در گور جانشان، بخورند و بیاشامند و همانند کسانی که از صحرای حق گریختند از حق بگریزند. وجودهای بی‌حاصلشان را در بستر زمان بخوابانند. بروند تا دنیایی را آباد کنند که برهوتی خشک و بی‌حاصل است آنگاه برای افسوس از گریختن بر سر و سینه زنند که وای بر ما. ما از صحرای حق گریختیم.

امشب در دلش پیمان‌نامه‌ای دارد که در شعار و مویه خلاصه نمی‌شود. امضاء این پیمان‌نامه تکه تکه شدن نفس است تا جان ظاهری بگیرد و جان آستی زنده شود. اینک انتخاب با خودتان است. بمانید و با حق بیعت کنید و یا بگریزید و باز همان زندگی را آغاز کنید که قبل از همراهی با ده روز محرم در ظلماتش بودید. لحظات گویای دعوت به حق به سرعت می‌رود تا در پرونده‌ها به ثبت برسد. پس دست بیعتتان را دراز کنید تا در حق جزء آنانی باشید که در زیر تیغ باطل او را به مدد خواندند:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ هـ.ق - در انتظار دولت عشق)

۱۸ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب نهم (شب عاشورا)

سلام بر زمان. امانت‌دار جان‌های مطهر. همانانی که جز به آنچه از طرف پروردگارشان فرو فرستاده شده بود راه دیگری نرفتند. قرآن‌های ناطق در ظاهر و باطن راهروان حقیقت. همانانی که به مانند خورشیدی در آسمان اولوالأمر درخشیدند و راه را برای پیمودن و رسیدن به اهداف آفرینش هموار کردند. جان ملکوتی‌شان را در آنچه به آن مأمور بودند در سخت‌ترین آزمایش‌های الهی قرار دادند تا آینه‌ای باشند برای کسانی که خود را در این آینه تماشا کنند.

امروز در دلش حکایت دیگری دارد. مسافران زمان محرم را به مجلسی پرشور دعوت می‌نماید. چه کسی می‌تواند رمز این دعوت را درک کند. امام سفره‌ی عشق را گسترده‌اند. بر سر این خوان رحمت شهیدان کربلا نشسته‌اند. در کنارشان بنشینید. وصف حالتان را برایشان حکایت کرده‌اند. امام حسین (س) به یاران‌شان عصر عاشورا را از سفره‌ی غیب الهی نشان دادند و فرمودند: آنچه روی خاک افتاده جسم نازنینتان است و آنچه در آغوش من است اطاعتتان از فرامین خالق یکتا. آغوشی که سر پرشورتان را بر سینه‌ی امامت خواهد فشرد تا از آن سینه بوی بهشتی را درک کنید که وعده‌ی راستین پروردگار است.

پس در حق بمانید تا به دولتی بپیوندد که اُمّتش در این مسافرت کوتاه بر سر سفره‌ی اعزام شما می‌نشینند. دست‌های خالی‌شان را به طرفتان دراز می‌کنند. گاه از شما آنچه خود دوست دارند نقل می‌کنند تا جان‌شان با این ده روز سرگرم شود و گاه شما را به حرارت سینه‌شان در برپایی حق دعوت می‌کنند تا مددشان فرمایند شهادت در حق را درک کنند.

در این کشمکش همواره بر صفحه‌ی زمان می‌آیید. تصویرتان برای هر یک نفر با نفر بعدی فرق می‌کند. پس حق مداران به دنبال نام نیستند. آنان جان را به جایگاه اصلی



خویش دعوت می‌کنند. در آن جایگاه وعده‌ای است که می‌فرماید آنانی که با جان و مال و فرزند در راه خدا مهاجرت کردند مزدشان با پروردگارشان است. پس در عصر عاشورا مزد تلاشتان را خواهید گرفت.

نهم محرم روز و شب عجیبی دارد. جان‌ها بی‌قرار است. نمی‌داند با این امانت زمان چه کند و صاحب همه‌ی زمان‌ها و دوران‌ها از زمان حال تا قیامت شما را بر سر سفره‌ی حق‌مداران می‌خواند تا وارث میراثی شوید که ثروتش پایان نمی‌پذیرد و عزتش زمین و آسمان را به تحسین وا می‌دارد.

پس در دقیقه‌های باقی مانده از این شور و عشق و دلدادگی به جانتان لباس عزت حق و اطاعت را بپوشانید تا برهنگی‌تان بر ملکوتیان آشکار نشود و آنان به زمزمه‌ای که همواره زمین و آسمان آن را در جانش ذخیره نموده او را بخواند به فرجی مبارک پس با ملکوتیان هم‌نوا شوید:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

۱۹ شهریور ۹۸

خطبه‌ی روز عاشورا

سلام بر طور. طور عشق. طور دلدادگی. طور انتظار. پایان عمری مطهر. امروز دولت عشق ظهور می‌کند. منتظران عاشق انتظارشان پایان می‌پذیرد. آیات قرآن کریم به میدان عمل می‌آید. قوم کافر خود را معرفی می‌کند. ما مأموریت داریم تا بیعت شما را اعلام کنیم. اگر با ما همراه شوید از این صحرا نجات پیدا می‌کنید. در کنار پسر علی بن ابی طالب جز شکست نصیبتان نمی‌شود. یاران امام با قدم‌هایی مصمم دل زمان را در اختیار می‌گیرند. آیات قرآن کریم محقق می‌شود. یک نفر در مقابل ده نفر. ده نفر در مقابل صد نفر. جنگ را آغاز می‌کند. شور دریدن دل باطل قرار از جان حق‌مداران را گرفته است.

چه فلسفه‌ای در طلوع دهمین روز است که توانسته زمان را در حق متوقف کند. انوار درخشان خاندان نبوت دل باطل را می‌شکافد تا رسالتی را جاودان سازد که رسولش عمر با برکتش را در رساندن پیام پروردگار کریم در جنگ با جاهلیت گذراند. افسوس که جهل در جان مردمان هزار چهره دارد. هر بار چهره‌ای آشکار شود جای خویش را به چهره‌ی دیگر می‌دهد تا در نقاب مسلمانی دست به شقی‌ترین اعمال بزند. چند صبحی بر صفحه‌ی زمان بماند و بر جان‌های جاهلین دهر حکومت کند. برود و جای خویش را به دیگری بسپارد.

امروز پایان انتظار برای دیدن شکوه و جلال حق در مقابل باطل است. قرن‌ها از این میدان جنگ می‌گذرد. این چه حرارتی است که سینه‌ها را به مانند آتش‌فشانی می‌گدازد. دل زمان از چه به درد آمده. مزد شهیدان امروز با پروردگارشان است. پس چه رمزی در این بی‌قراری نهفته است. شما چگونه توان توصیف این روز با شکوه را دارید. جانتان چه پاسخی برایش آماده ساخته. پرونده‌ی ماندتان در پای طور امروز بسته می‌شود. حاصلش را در عملتان باید بیابید.

شما امت امامی هستید که قرآن کریم در معرفی‌اش می‌فرماید: جاء الحق و زهق الباطل. اگر همراه نابود کننده‌ی باطل قدم برنذارید همانند قومی هستید که دعوت به حق را با شمشیر جهل پاسخ می‌دهد و این شمشیر جز زخمی کردن جان صاحب خویش قدرت دیگری ندارد. او برای خودش برزخی فراهم می‌کند که جز سوزاندن ساعات عمرش حاصل دیگری ندارد.

امروز روز بیعت با حق است. از باطل جانتان با مدد گرفتن از حق مداران جدا شوید تا در آیینه‌ی حق امامی را ببینید که به شما می‌نگرد و اعلام می‌دارد، پرچم عاشوراییان در دست کسی است که جانش را از خشم خدا برهاند تا شعار صحرای کربلا در جانشان طنین‌انداز شود که منم پاسخ دهنده به هل من ناصر ینصرنی. اگر جزء حق مداران بودی با هر ضربه‌ای که به باطل می‌زنی او را به مدد بخوان تا فرج جانت گشوده شود و تو را با نوای منتظران حقیقی دولت ظهور همراه کند. به فرجی که همواره گشاینده‌ی برکتی عظیم است. پس او را بخوان:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

**والسلام و علی عباد الله الصالحین**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق- در انتظار دولت عشق)

خطبه‌ی شب دهم (شب اول شهادت امام حسین (ع)) ۱۹ شهریور ۹۸

حمد و سپاس پروردگار حکیم و کریم را سزااست که در آفرینشش انواری را خلق فرمود که راه حق و رستگاری را برای مشتاقان قربش روشن و منور کند و روشنایی‌شان تا قیامت در هر دوره و زمانی حق مداران را راهنما باشد و سیاهی وجود باطلین را نمایان‌تر کرده و ظلمتشان را مایه‌ی عذابشان در دنیا و در قیامت.

چون حق‌مداران به حرکت درآیند انوارشان سیاهی باطل را از بین ببرد. آنانی که در ظلمت مانده‌اند به ندایی حزن‌انگیز آنان را بخوانند که لحظه‌ای درنگ کنید تا از نورتان بهره‌مند شویم و آنان پاسخ دهند شما این نور را باید در دنیا کسب می‌کردید پس دیواری بین حق و باطل ایجاد شود و این شب را شام غریبان نامیدند چون در روزش یاران و فرزندان رسول خدا (ص) به شهادت رسیدند نامش را شب تنهایی اهل‌بیت نام نهادند درحالی‌که آنان با ملکوتیان آسمان بدرقه می‌شدند که باطنش با انوار وجود مقدس امام حسین (ع) و یاران حق‌مداراش که روشن کننده‌ی زمین و آسمان است همراه بود و ظاهر این شب با ظلمت باطلین سیاه‌تر از سیاهی دود سوره‌ی دخان که همان جهل مرکب است.

در عصر کنونی نیز به عینه می‌توان آن را دید همان‌گونه‌ای که در خطابه‌های امسال شنیدیم این سیاهی از آنانی است که محرم را یا به بازی گرفتند و یا با برپایی مجالس عزاداری بدون در نظر گرفتن شأن و مقام امامت و نشر اکاذیب، محلی برای کسب درآمد و ثروت گزاف نموده که مغایر با هدف اباعبدالله (ع) از نهضت عاشورا است که نصیبشان از این کسب و تجارت زنجیری به درازای هفتاد ذرع خواهد شد. چون آنان به فرموده‌ی امیر مؤمنان (ع) در قالب خدمتگزاران و برپا کنندگان رسم و آیین اهل‌بیت به میدان زمان می‌آیند و چند صباحی از درنده‌ای به چهره‌ی روباهی مکار تغییر جهت می‌دهند تا طعمه‌های خویش را برای آینده مهیا نمایند. اینان همان اشباع

رجالی هستند که تاریخ در قلب خویش از آنان به عنوان شقی ترین افراد نام می برد و کسانی که برای رونق آن مجالس به عنوان پامنبری و تماشاچی به گردانندگان یاری می کنند آنچه عایدشان می شود جانی مجروح از جهل است، در صورتی که به بدی عملشان فکر کنند و توبه نمایند خداوند کریم آنان را می بخشد که در قرآن چنین فرمود: پروردگار تو برای کسانی که از روی نادانی مرتکب کاری زشت شوند سپس توبه کنند و به صلاح آیند آمرزنده و مهربان است.

بله با این فرموده‌ی خداوند مهربان باید همت کرد و در مورد عمل و افکاری که با نفس اماره همراه است تا دیر نشده فکر کرده و خود را اصلاح کنیم. در غیر این صورت همان گونه‌ای که در خطابه‌ی امسال آمده بود مصداق آیات کریمه‌ی قرآن که می فرماید: «با آنان که در خانه ماندند در خانه بمانید»، هستیم. در زمان پیامبر خاتم حضرت محمد (ص) از مردم مدینه دعوت به جهاد شد. عده‌ای هیچ اقدامی نکردند و در خانه ماندند و عده‌ای هم که نمی خواستند به جهاد بروند به کنار پیامبر آمدند و بهانه‌های مختلف آوردند. خداوند فرمود: بگو آنها هم کنار دسته‌ی اول در خانه بمانند.

در عصر حاضر نیز عده‌ای هیچ ایمانی ندارند با کفر زندگی می کنند و دور از ایمان هستند ولی عده‌ی زیادی برای اعمال نفسانی و جهل خود دلیل و برهان می آورند که شامل دسته‌ی دوم می شوند.

حال که در این شب حزن و غم در این خانه‌ی مقدس حضور داریم باید بر سر و سینه بکوبیم و از چشم خون بباریم چون عده‌ای ددمنش و دیو سیرت گل‌های همیشه بهار اهل بیت پیامبر را پر پر کردند و بشریت را از وجود گهربار آنان محروم نمودند. آنان با رشادت و استقامت در برابر باطل ایستادند و تا آخرین لحظه‌ی حیاتشان ذره‌ای از عزت عطایی پروردگار کاسته نشد.

اینک ضمن عرض تسلیت به ساحت مقدس منجی عالم بشریت، امام خوبی‌ها، حق مسلم، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) به خدمتشان به تمنا ابراز می داریم: مولای ما، قلب سوخته‌مان از شهادت جد بزرگوارتان اباعبدالله (ع) و فرزندان و

یارانشان را با فریاد «أین الطالب بدم المقتول بکربلا» التیام می‌بخشیم تا انتظارمان پایان یافته، وعده‌ی پروردگار همان‌گونه‌ای که مادر گرامی‌تان حضرت زهرا‌ی مرضیه (س) فرمودند محقق شود که: رحمت پروردگار در جانی است که خود فرمود از آنچه فرو فرستادم بخورید تا پرده‌های جانتان از خاک جدا گشته به جایگاه اصلی خویش بازگردد. ساعات عمرتان از اندوخته‌اش بی‌فروزد. حرکاتش حق را معنا کند. راز خلقت مانند زمزمه‌ای شیرین در گوش‌ها طنین‌انداز شود. زبان‌ها حکایتی شیرین را بازگو نمایند. دست‌ها به تمنا گشوده شود تا امانتی را از سینه خارج نماید که نامش صاحب‌الزمان (عج) است. صاحبی که همواره او را در الست و برزخ و قیامت می‌خواند. نامت چیست؟ نامی که با آن انتظار معنا شد. زبان‌ها طعم شیرینش را چشید و گوش‌ها به نوایش جان گرفت تا زمان عمری را ترسیم کند که ساعاتش گویای رحمتی بی‌منتها بود زیرا پروردگار گنجینه‌اش را آشکار فرمود تا بندگان در صبحگاهان با حرارت جانش بی‌فروزند و شبانگاهان به بستری روند که تاریکی‌اش در پرتوی جان مبارکش به وعده‌ای شیرین پیوند خورد.

پس با این فرموده‌ی سرور عالمیان خوشا به حال آنانی که در دولت ظهور شب و روزشان با حرارت عشق سرورشان جان می‌گیرد و وصل شیرینش کامشان را چون غسل مصفا می‌کند. پس برای آن زمان فریاد می‌کنیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ هـ.ق - در انتظار دولت عشق)

۲۰ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب یازدهم

سلام بر حق، آن زمان که با قامتی رشید و استوار در برابر باطل ایستاد و آن را چون حبابی ذلیل و زبون نمود و تا قیامت بنیانش را خشک و نابود کرد. پس از آن باطل در هر زمان و مکانی خودنمایی نمود خیلی زود رسوا و نابود شد. چون راه و رسم حق‌مداری بنیان نهاده شده بود تا در دولتی شکوفا شود که باطل در آن راهی ندارد و انتظاری شیرین در زمان ذخیره گردید.

همان‌گونه‌ای که سرور عالمیان حضرت زهراى مرضیه (س) وعده فرمودند که: برکات پروردگار در جان زمان نهفته است پس امر می‌فرماید ای یاوران حق جان خویش را از نعمتی متنعم کنید که همواره شما را به دامن پر مهر خویش فرا می‌خواند تا نعمت زمان را بشناسید و ذخیره‌ی خویش را آشکار کنید به نجوایی شیرین او را بخوانید. اینک زمان به مددمان آمد. گنجینه آشکار شده و رازها از پرده بیرون افتاد، وعده محقق گشته، انتظار پایان یافته، ضربان حیات مجدداً در جان عالم زنده شده تا دل‌های مشتاق را به یکدیگر پیوند کند. دل‌ها به میدان عمل خوانده شده، امید تا «جاء الحق و زهق الباطل» در وجودتان از کلمه خارج شده و امانتش را آشکار کند. پس بشتابید نعمت را در آغوش گیرید و پروردگار را برای اینکه هدایتتان کرده بستابید.

بله چه زیبا فرمودند سرور عالمیان و ما ساکن این کوی عشق به خوبی آن را احساس می‌کنیم که مولا و سرورمان همواره ما را به دامن پر مهر خویش دعوت فرموده تا نعمت زمان عمرمان را بشناسیم و آنچه در جان و روحمان در اثر تربیت ایشان ذخیره شده را با عملمان نشان دهیم تا انتظار فرج پایان یافته و دل‌های عاشق وجود مقدسش به یکدیگر پیوند خورده نعمت حیات واقعی را در دولت حقه در آغوش

بگیریم. شکرگزار پروردگار باشیم و در آن دولت همچون یاران اباعبدالله (ع) در کربلا اطاعت از امامت را با عشق به وجود مقدسشان عرضه داریم.

همان‌گونه‌ای که در خطابه‌های امسال آمده بود ما آن حق مداران را صدا می‌کنیم نام ملکوتی‌شان را به زبان آورده از آنان چه چیزی را طلب می‌کنیم. رمز حرکتشان را، اطاعتشان را و یا عشق به امامتشان را. محرم آئینه اطاعت از اولوالأمر است و آن در هر زمان و مکان تفاوتی نمی‌کند. اگر مشتاق اطاعت هستید پس به فرمان قرآن کریم به همراه پیامبر مهاجرت کنید. او مأمور است تا مهاجران را در رحمت توبه قرار دهد. پس دست یاری‌اش را رها نکنید. صدای حق شما را می‌خواند.

بله ای مهمانان کوی عشق، جانشین پیامبر امام بر حق اباصالح المهدی (عج) شما را می‌خواند. اگر از کفر و فساد و نفاق و فتنه و بی‌دینی زمانه بیزارید به سمت پاکی و تقوا و ایمان مهاجرت کنید. ایشان شما را در رحمت توبه قرار می‌دهد. پس دست یاری‌اش را رها نکنید. همان‌گونه‌ای که در خطابه‌ها شنیدیم عشق به امام عصرمان از الست و بطن مادر همراه ما بوده کافی است که با نفسمان مبارزه کرده و تقوا پیشه کنیم زیرا چاره‌ی کار بیدار شدن از خواب نفس است تا به گوش جان ندای مولایش را بشنود که او را می‌خواند.

اگر توان درک حقیقت قلبت را داری هم اکنون به عشقی در پیچ و تاب است. جانش تشنه‌ی جامی است که نامش دولت ظهور است. این چه وعده‌ی شیرینی است که تمام ادیان الهی در هدایتشان او را خوانده‌اند تا ذخیره‌ی پروردگار آشکار گردد و باطل از صفحه‌ی روزگار محو شود و باید در حال حاضر برای رسیدن به آن با استقامت و قدرت در برابر باطل جاغمان و باطل‌های زمانه‌مان بایستیم. چون حضرت زینب کبری (س) به ما آموخته‌اند، ایشان چنان با صلابت و محکم وارد کاخ ابن زیاد شدند که او پرسید این بانو کیست که این چنین با قدرت قدم برمی‌دارد. گفتند ایشان دختر علی زینب (س) است. ایشان همان‌گونه نیز وارد کاخ یزید شدند و با سخنان آتشین او را رسوا و زبون کردند و دلیل چنین با قدرت قدم برداشتن را در کربلا برای امام حسین (ع) بیان فرمودند. امام ایشان را به چادر خویش دعوت کرد. دختر امیر مؤمنان (ع)



آنچنان قدم بر می دارد که ستون خیمه تکان می خورد. امام با تبسمی می فرماید خیمه‌ی امامت از استحکام قدمتان به لرزه افتاد. حضرت زینب کبری (س) می فرماید: می خواهم این سرزمین مرا در اطاعت از امامت در قلبش به تصویر کشد. خاکش بشکافد و مطمئن شود که اطاعتگران مصمم به فرمانی هستند که امامت صادر بفرماید.

پس بیایید ما نیز همچون حضرت زینب (س) به خطابه‌هایی که شنیدیم با قدرت و عاشقانه اطاعت کرده و عمل کنیم و هر لحظه با همان استواری محکم فریاد کنیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

(محرم ۱۴۴۱ ه.ق - در انتظار دولت عشق)

۲۱ شهریور ۹۸

خطبه‌ی شب دوازدهم

سلام بر جانِ عالمِ قرآن کریم، جانی که تپش حیاتش ضامن وعده‌های الهی است. دستش گیرنده‌ی افتادگان و ضربان قلبش آینه‌ی انوار پروردگار عالم، انواری که بر خلقت فرمانده است. عالم در اطاعتش و زمان در اختیار وجود مبارکش. او کیست؟ وصفش چگونه ممکن است. عقل از بزرگی جانش در حیرت است. نوای دل‌نشینش همدم خلیفگان بر حق و هدایتش گیرنده‌ی در دام افتادگان دهر. عطرش سازنده‌ی بهشت‌های موعود و آتشش سوزنده‌ی باطل‌های زمان. افسوس که جان‌ها از او جدا شدند و آغوش پر مهرش را بازیچه‌های زودگذر دنیا آراستند. باطنش را درک نکردند و خود را در ورطه‌ی نابودی قرار دادند. او بر جان پیامبر فرود آمد تا زبان مبارکش امانت‌دار آن باشد و سینه‌ی چونان بهارش روییدن حق و نابود کننده‌ی باطل را معنا کند.

بله قرآن کریم امانتی گران‌قدر و بی‌نظیر است که پیامبر اسلام حضرت محمد (ص) برای بشریت به یادگار گذاشتند و در هر زمان و مکانی که امتش به قرآن پناه بردند و به دستوراتش عمل نمودند از تباهی و گمراهی نجات یافتند. همان‌گونه‌ای که سفارش و وصیت فرمودند که در غیاب من به دو امانتی که از خود برایتان به ارث گذاشتم پناهنده شوید تا رستگار گردید ولی افسوس امتش قرآن را مهجور و اهل‌بیتش را مورد اذیت و آزار قرار داده، دستشان را به خون مطهر آنان آغشته نمودند. در نتیجه روز به روز بیشتر در دام شیطان گرفتار آمده و دست به اعمالی زدند که نه‌تنها مسلمانی‌شان از بین رفت بلکه انسانیت و آزادگی‌شان را نیز نابود کرد.

عاشورا داغ‌ننگی است که تا قیامت و ابد از دامان آنان پاک نخواهد شد. و احیرتا که ادعا دارند که امت پیامبر و عمل‌کننده به قرآن هستند چون خداوند وعده فرموده که از کتابش خود محافظت خواهد کرد. از گزند تحریفات به دور مانده ولی در تغییراتش

به رأی خود عمل می‌کنند و با همه‌ی همت خود سعی در کم‌رنگ کردن و تحریف نمودن عملکرد اهل‌بیت می‌کنند.

پس باید قرآن را بیشتر و بهتر بخوانیم و بدانیم و در مورد اهل‌بیت با اندیشه و عقلانی فکر کنیم چون آنان به زمان خود خلاصه نمی‌شوند. ریسمان الهی‌اند که در هر زمان و مکانی با چنگ زدن به آن می‌توان نجات یافت. باید یقین داشت که امام حسین (ع) چلچراغ فروزانی هستند که امامتشان به حماسه‌ی عاشورا ختم نمی‌شود. امام در تمام دوران‌ها امام اطاعت گران از فرامین پروردگار در پیمودن راه حق‌اند. پس وجود مقدسشان نام نیست بلکه انوار حقی است که شعله‌اش در سینه‌ها زبانه می‌کشد. بر ماست که خودباوری را کنار بگذاریم، یقین و باور کنیم که راه و امر امامت حق است و فرمان امامت نیاز به تشخیص راه ندارد. راه از انوار امامت روشن است و اطمینان داشته باشیم امام عقل کل است در هر راهی قدم گذارند، توقف و حرکت نمایند و هر سفارش و فرمانی صادر کنند ناشی از حکمت و معرفت بالغه و مطابق با دستورات پروردگار است.

آنانی که در شب عاشورا رفتند آن را درک نکردند و با خود گفتند با این عده‌ی کثیر باطل ماندن فایده‌ای ندارد. امام هم بیعت نخواهد کرد. ماندن و رفتن ما بی‌اثر است. امام را خواهند کشت. یک نفر کمتر بهتر ولی بعداً فهمیدند در کنار امام ماندن و کشته شدن چه سعادت‌ی بود که از خود دریغ کردند و زندگی ابدی را به چند روز عمر فروختند. چون امامشان نام نیست بلکه حیات است، حیاتی که مرگ را نمی‌شناسد و زمان به جانشان نهیب زد که به کجا می‌گریزید. چگونه توان جدا شدن از جانشین پروردگار را دارید به کجا می‌روید. وای بر شما، زمین شما را نخواهد پذیرفت. او با تنفر به شما می‌نگرد. چگونه از سفره‌ی حق جدا شدید و باز به همان ظلماتی برگشتید که از آن آمده بودید.

ای مهمانان کوی عشق ما در این ده شب محرم در کنار جانشین پروردگار و پیامبر، امام عصر و زمان ابوالصالح المهدی (عج) حیات واقعی را تجربه کردیم پس با عمل به سفارشاتشان در کنارشان بمانیم و از سفره‌ی حق جدا نشده باز به ظلمات نفس و

جامعه‌ی آلوده برنگردیم و با حق بیعت کنیم و تا آخرین نفس با باطل‌های جان و جامعه‌مان بجنگیم تا امام و سرورمان در آخرین نفسمان سر پر شورمان را بر دامان پر مهرش بگیرد تا وصلش برزخ و قیامت‌مان را شیرین نموده و بهشت را احساس کنیم. پس برای برآورده شدنش فریاد می‌کنیم:

### اللهم عجل لولیک الفرج

در آخرین شب عزاداری سالار شهیدان امام حسین (ع) و یارانش جا دارد از حاج آقا هوشور و سایر مداحان عزیز که با انتخاب اشعار در شأن اهل‌بیت و با نوای خوش و اجرای دل‌نشین به مجالس صفا و رونق بخشیدند تشکر و قدردانی کنیم و همچنین از خادمان عزیز، خانم‌ها و آقایان که با تمام عشق و اخلاصشان در آماده‌سازی و پذیرایی و نظم و پاک‌سازی مراسمات نهایت تلاش بی‌وقفه نمودند تشکر و قدردانی می‌کنیم و همگی باید یقین بدانیم که صاحب این خانه‌ی مقدس مولا و سرورمان به همه‌ی امورمان واقف بوده، اجر و مزد آن را ذخیره‌ی قیامت‌مان قرار خواهند داد و همچنین شما مهمانان این کوی عشق که با حضور مستمر و سبزتان از راه دور و نزدیک به مجالس رونق بخشیدید تشکر نموده، برایتان اجر و پاداش از خداوند کریم مسئلت داریم.

حال که در این ایام از سفره‌ی احسان مولا و سرورمان امام عصرمان با مائده‌های آسمانی اطعام شدیم سعی کنیم قدر آن را بدانیم و شکر آن را با عمل به سفارشاتشان به جا آوریم تا روزی بی‌حسابمان قطع نشود.

### اللهم عجل لولیک الفرج

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

۱۲ مهر ۹۸

خطبه‌ی شهادت حضرت رقیه (س)

شکر و حمد و سپاس بر خالق یکتای آفرینش، آفرینشی که خود فرمود آن را بیهوده نیافریده و به حال خود وا نگذاشته بلکه از روی رحمت و تدبیرش بر همه‌ی امور محیط و مدبر است. نیست معبودی غیر از خداوند حکیم و کریم؛ اوست که عزت را از آن مؤمنان و ذلت و خواری را از آن منافقان و کافران اراده فرمود پس حمد و ستایش شایسته‌ی اوست و برکات پروردگار کریم در جان‌هایی است که همواره در جوش و خروشدن تا دست یداللهی پروردگارش را در جانشان مانند دمایی که در زندگان، به اندازه و میزان محتاج است و در مردگان بی‌نیاز مراقبت؛ پس جانِ زنده به سرچشمه‌ای متصل است که همواره می‌جوشد و حرارتش را در خزانه‌ی قلبش احساس می‌کند؛ خزانه‌ای که قفل و کلیدش، راز و نیاز است و ثروتش عشق؛ آیا می‌توان آن دست را گرفت و به ملکوت سفر نکرد؟ پس مسافران ملکوت، قلب‌هایی زنده است که ضربانش خالقش را می‌ستاید.

شکر خالق یکتا را که حرارت وجود را در منتهای رحمتش آفرید، پس سینه و قلبتان را با یاد پروردگار عالم از حرارت معمولی خارج کنید تا آتش‌فشانی شود که غُرُشش، شیطان را به عجز می‌اندازد و ملکوتیان را شاد می‌کند.

چه زیباست فرمایشات سرور عالمیان حضرت زهرا (س) در توصیف مسافران ملکوت که قلبشان از هجران و عشق پروردگار آتش‌فشانی بود که با گدازه‌های خود باطل و ناپاک را سوزاند و حرارتش برای عاشقان حق، همچون گرمایی دل‌چسب در سرماست.

ما امروز به دور حرارت قلبی می‌گردیم که به ظاهر کوچک بود ولی در باطن، خورشید را به شگفتی واداشت که خود ایشان، خود را این‌چنین معرفی فرموده‌اند: من فاطمه‌ی صغری یا فاطمه‌ی ثانی، دختر حسین بن علی (ع) هستم که به رقیه ملقب شدم؛ پدرم تمام فرزندان خود را به نام پدر و مادر گرامی‌شان نام‌گذاری کردند و نام مرا به لقب مادرشان آراستند و فرمودند: تو را در آینده‌ی زمان، چونان مادرم می‌بینم

که در مدد امامت جان زیباییت به دل خاک می‌رود تا چون گلی در وعده‌ی پروردگار بشکافد پس برای آن وعده بی‌قرار باش تا آن را دریابی. پدرم امام حسین (ع) آن زمان که در مکه‌ی مکرمه بودیم مرا در آغوش گرفت و فرمود: دخترم، آیا به تپش قلب پدر گوش می‌دهی؟ گفتم: بله. فرمودند: برای دخترش چه تند می‌تپد! دلیلش را می‌دانی؟ گفتم نمی‌دانم تا از زبان پدر آن را بشنوم؛ فرمودند: دلیلش حوادثی است که باید با جان کوچک منتظرش باشی تا عمه را یاری باشی مهربان. به پدرم قول دادم که صبور باشم. لحظه‌ی موعود رسید و پدر مرا در آغوش گرفت تا قولی را که داده بودم را فراموش نکنم. به پاهای پدر آویزان شدم و آن‌ها را محکم در آغوش گرفتم؛ پدرم فرمود: دخترم، همواره قرآن را تلاوت کن و بر آنچه مقدر شده صبور باش تا وعده‌ی دیدارمان فرا رسد. پدر رفت و آن روز سخت به پایان رسید و ما همراه امام عصرمان به راه پدر ادامه دادیم. گاه برادرم مرا در آغوش پر مهر امامت می‌گرفت و می‌فرمود: آفرین بر خانه‌ای که از عزیزترین متاعش در راه پروردگارش گذشت.

بله می‌بینیم در خاندان نبوت، لالایی کودکان، قصه‌ی شیدایی و زمزمه‌ی محبتشان آموزش ایمان و حق‌مداری بود؛ باید از آنان آموخت که در تربیت فرزندانمان در عوض یاد دادن ترانه‌ها و شعرهای بی‌حاصل، تقوی و ایمان و قرآن و حق‌جویی را به آنان آموزش دهیم.

در چنین شب‌ها بود که حضرت رقیه (س) به عمه‌ی خود حضرت زینب (س) فرمودند: عمه جان، از قراری که با پدر داشتم یک روز گذشته است؛ شما چه امری می‌فرمایید؟ حضرت زینب (س) رقیه را در آغوش می‌گیرند و می‌فرمایند: زمان قرار را پدرت می‌داند؛ اینک بخواب، او خود امر می‌کند کی به دیدارش بروی. رقیه چشمان خویش را بر هم می‌گذارد. صدای مهربان و دل‌نشین اباعبدالله در فضای جانش به صدا درمی‌آید: دخترم، اینک به وعده‌ام عمل خواهم نمود؛ سکوت شب موقع خوبی برای جهاد است؛ تو بر ذوالجناح که در بیرون کاروانسرا منتظرت است بنشین و پیروزی را با خواندن قرآن کریم اعلام کن. رقیه آرام برمی‌خیزد. امام سجاد (ع) می‌فرماید: کجا می‌روی؟ می‌گویی: بر سر وعده حاضر می‌شوم. امام سجاد (ع) او را در آغوش گرفته و

تا در کاروانسرا مشایعت می‌کند. ذوالجناح منتظر است. رقیه سوار بر ذوالجناح می‌شود و آن‌چنان آیه‌ی افوض امری الی‌الله را تلاوت می‌کند که در شام زلزله‌ای رخ می‌دهد؛ همگان مانند ابراهیم خلیل صدایش را می‌شنوند و ارکان کاخ یزید به لرزه درمی‌آید؛ دیوارهایش ترک می‌خورد و یزید لعنت الله علیه دلیل این سر و صدا را می‌پرسد می‌گویند: دختر حسین بن علی سوار بر اسب پدرش فریاد می‌زند. یزید فرمان می‌دهد تا کودک را به کاخ بیاورند؛ مأموران به طرف رقیه می‌روند؛ امام سجاد (ع) رقیه را از اسب در آغوش می‌گیرند؛ وقتی مأموران می‌خواهند کودک را از امام بگیرند، رقیه به دعوت پدر به ملکوت پرواز کرده و به دیدارش شتافته بود. امام، رقیه را به آغوش زینب (س) می‌دهند تا بر او نماز گذارند و رقیه را در همان محلی که کاروان توقف کرده بود به خاک می‌سپارند. امام سجاد (ع) می‌فرمایند: قبر رقیه باشکوه‌تر از کاخ یزید در شام خواهد شد پس دل آسوده دارید که ملکوتیان در عرش به پرواز درمی‌آیند و امانت‌دارانشان مانند پروانه‌ای بر گردش‌شان می‌چرخند تا نامشان را برکت روح و جان خویش سازند.

حضرت رقیه (س) بعد از عاشورا به امام سجاد (ع) گفت: آنگاه که پاهای پدر را محکم گرفته بودم تا مرا هم مانند علی اصغر به میدان جنگ برد او مرا نوازش کرد و فرمود: من در پایان سفر به دیدارت خواهم آمد؛ مراقب باش در بیعت من بمانی تا تو را نزد خودم ببرم؛ و حضرت رقیه (س) تا پای جان بر این بیعت، استوار باقی ماند و بر آن اصرار ورزید.

جان عالم فدای مولا و سرورمان امام عصر و زمان بقیة الله ارواحنا لک الفدا که با همان مهربانی جدشان امام حسین (ع) که به حضرت رقیه فرمودند: منتظرم بمان و در بیعتم استواری کن، ایشان نیز هر جمعه در کنار منتظران واقعی و ندبه خوان خود می‌نشینند و می‌فرمایند: مرا ببین، اشک تو را با وصلی شیرین از چهره‌ات می‌زدایم پس منتظرم بمان من تو را تنها نمی‌گذارم؛ ایمانت را محکم کن، با شیاطین جانت بجنگ تا ملکوتیان، مناجات تو را به عرش ببرند.

ای منتظران کوی عشق، در این زمانه‌ی فتنه و نفاق و کفر در مقابل چنین لطف و مهربانی و سفارش مولایمان چه خواهیم کرد؟ آیا لحظه‌ای به هیجان آمده و بعد فراموشمان شده، دست بیعتمان را آماده‌ی بیعت با همه چیز و همه کس خواهیم نمود و یا تا پای جان بر این پیمان وفادار و استوار می‌مانیم؟ اگر ماندیم باید باور و یقین کنیم که فریاد کودکی سه ساله در راه حق چنان قوی شد که کاخ ظلم را به زلزله واداشت و آن را شکافت. پس در این شب حزن و اندوه سر را بر سینه‌ی حق بگذاریم و فریاد بزنییم: ای خنجرهای باطل، اگر دینم با بریدن سر من، از تباهی نجات پیدا می‌کند پس بیایید و سری که هجران یارش او را بی‌تاب نموده از بدن جدا کنید تا هجران‌ها به پایان برسند و تاریکی‌ها از بین بروند، انتظارها تمام شود و خون عاشقان قلمی شود که عشاق، با آن بنویسند؛ زمان‌ها تکرار شوند و عاشقانِ مسافر طور در پایین کوه انتظار، تو را فریاد کنند که: ما گوساله‌ی سامری را نخواستیم ما منتظر ماندیم تا وعده‌ی پروردگاران محقق شود و زمان انتظار به پایان برسد و جمال آقایمان با ندای هل من ناصر ینصرنی هویدا شود پس همه‌ی منتظران فریاد می‌زنیم:

**اللهم عجل لولیک الفرج**



## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

### خطبه‌ی روز اربعین

۲۷ مهر ۹۸

سلام بر انتظار. آن زمان که جان انسان مشتاق گمشده‌ای است، دست به دعا بر می‌دارد، یا رب زمان بر قلبم چونان آهنی گداخته نامش را نگاشته تا فراق را بشناسد. اینک آسمان و زمین به من می‌نگرد. من همان دلداده‌ای هستم که بر قامت جامه‌ی عشق را پوشاندم تا نامم بر آستان مقدست به مانند سائلی که برای گرفتن طعام لب به سخن می‌گشاید تا جان گرسنه‌اش را اطعام کند من نیز به سخن آمده‌ام. یا رب، من محتاج رحمتی هستم که جان رنج کشیده‌ام با آن به سرمنزل نجات برسد. یاریم فرما تا مناجات را بیاموزم. بر سجاده‌ای بنشینم که آینه‌ی بندگی باشد.

اینک رهبرم را می‌خوانم. ای امام عصرم سال‌هاست که من اربعین‌های انتظار را پیموده‌ام تا عقلم آن را تفسیر کند. ولی توان درکش را ندارم. امروز اربعین است. چهل روز منتظر آمدن چه بوده‌ام. من حق را در کدام آینه دیده‌ام که با او در این روز همراه شوم. وای بر من بر ساعاتی که در کنار صاحب لحظه‌های امروز عمرم گذشته است.

مولای من یاریم فرمایید. من ساعات عمرم را گم کرده‌ام. روزهایم می‌گذرد. پیام نجات جانم را می‌شنوم. مراقب باش زمان در حال عبور است تا شاهی باشد بر اربعین‌های عمری که نتوانست تا در جمع حق مداران امروز بنشیند. عاشقان اربعین را می‌شناسند. آنان گوساله‌ی سامری را در هم شکستند تا جانشان با نور تورات بیفروزد. جانی که نتواند باطل وجودش را در هم شکند اربعینی برایش وجود ندارد. او تمام عمرش را در فکر ساختن گوساله‌ی نفسی است که به دنبالش در حرکت باشد. زیورآلات جانم را بر گردنش بیاویزد و او را به‌عنوان خدایش برگزیند.

اینک حق شما را می‌خواند. از باطل جانتان جدا شوید تا انوار شهیدان امروز را که مهمان مولای خویش هستند را در جانتان حس کنید. آنان پیام‌آور حق بودند تا همگان

به طرف هدفشان به حرکت درآیند و منتظر دولتی شوند که در آن نامی از باطل یافت نمی شود.

پس دست به سوی حق مداران می گشایم تا یاریمان فرمایند به نامی که همواره همگان در انتظارش هستند:

**اللهم عجل لولیک الفرج**

www.rayatolhoda.com